

در چه شرائطی باید فلسفه احکام را جستجو نمود؟

برای اخذ نتیجه از بررسی‌های علمی و فلسفی در احکام دینی مراعات چند مطلب لازم است :

اول - بررسی دراصالت حکم و دستوری که باسلام نسبت داده میشود که آیا واقعاً ازتعالیم اصیل اسلامی است و از جهات مختلفه نسبت به صحت آن ، دلایل و مدارک کافی وجود دارد یا فقط موضوع منتسب بیک رشته روایات غیر معتبره و مجعول است .

دوم - اگر دراصالت حکم و دستور تردیدی نبوده اطمینان حاصل شده است پس مسلماً این حکم مطابق با حکمت و موافق با مصلحتی بنفع بشر تنظیم و تجویز و منطبق بر حقیقت است زیرا حکم اصیل آسمانی در حقیقت امر و فرمان خداوندی است و مسلم است که کلام خداوند و دستور حکیم‌عاری از حکمت و مصلحت نتواند بود .

ولذا دراصالت و حقانیت آن شکی نیست ولی حق آن است که بشر مراتب علم و کمالات روحی خود را آنچنان بالا برد تا صلاحیت درک و شناخت فلسفه اوامر و فرامین خدا را داشته باشد نه اینکه موضوع را آنقدر بمیل و اراده خود تحریف و مسخ نموده محدود و کوچک سازد تا بسطح معلومات محدود خود او ، تنزل کرده و خود بخود جنبه ابتدال بخود گیرد .

و اگر برعکس ، بعلم محدودیت علم بشر در مورد بخصوصی ، موضوع بزبان علم ما وسطح معلومات عصر ما قابل توجیه نیست مسلماً علم ناقص و زبان علمی ما نارسا است و باید منتظر فرصت بود تا سطح فکری بشر و مراتب علم و تجربه او در آن جهت تا بسرحد کمال لازم ، ترقی یابد هر چند که سالها و قرن‌ها طول بکشد و در این مورد و یا تمام موارد مشابه آن ، صلاح و راه چاره جز آن

نیست که پس از اطمینان از اصالت حکم و دستور ، بجای سرگردانی در توهم و تخیل ، برعکس بدون دغدغه خاطر و تعبداً پذیرفت و بمعرض اجرا گذارد چنانکه قرن‌ها گذشت تا بشر قادر شد به فلسفه طبی و بهداشتی یا اهمیت حیاتی و اجتماعی برخی از دستوره‌های اسلامی پی برده آشنا شود و تا قبل از آن ، با خیال راحت و بدون دغدغه خاطر ، این احکام و تعالیم را تمبیدی پذیرفت و حتی قادر شد که تمبداً بمرحله اجرا نیز بگذارد .

جالب آنکه قبل از دانستن فلسفه آنها ؛ از اثرات و نتایج آن دستورات نیز عملاتاً بسرحد احتیاج برخوردار شد .

بنابر این در طول این مدت لازم است بطور تعبد تمام دستورها و احکام ، بجای آورده شود چنانکه در زمان خود حضرت رسول اکرم (ص) نیز مسلمانان بدون درک فلسفه احکام و دستوره‌های دینی صرفاً بامشاهده مراتب کمالات آن بزرگوار و باستناد معجزاتی ، آن تعالیم را پذیرفتند و از روی ایمان و اخلاص دقیقاً بمعرض اجرا گذاردند و نه تنها خود رستگار شدند بلکه يك تمدن درخشان جهانی را نیز پس از نیل به تکامل روحی لازم در سایه آن بنیان گذاری نمودند که در کمترین مدت عالمگیر شد ، هر چند که قرن‌ها گذشت تا پیروان بعدی از روی علم و تجربه و از راه درک حکمت آن تعالیم آسمانی کم کم بوجود آثار و علائم معجزات علمی آنها متوجه شدند .

نکته قابل توجه اینست که گرچه مسلمانان امروز دسترسی بخود آن حضرت یا معجزات ایشان ندارند ، اما از طریق تطبیق برخی آیات و احکام و دستورات با علم و عقل در حقیقت به معجزاتی به مراتب مطمئن تر و جاودانی یعنی اعجاز تطبیق آن تعالیم با حقایق علمی و موازین عقلی و مقتضیات فطری در عصر علم و دانش دسترسی دارند .

از طرف دیگر اگر اسلام دین کامل و آخرین دین است میبایست تفوق و جنبه‌های اعجاز انگیز آن در هر عصری نمایان و زنده و فعال باشد و مسلمانان در هر عصری از راه درک تفوق‌های علمی و امتیازات عقلی و علمی آن به جنبه‌های اعجاز آمیز تعالیم این مکتب آسمانی پی ببرند .

اینک بررسی تعالیم اسلامی از افق علمی ، همین برتری و امتیازات ابدی را واضح و آشکار ساخته و همین امتیازاتی که در تاریکترین اعصار بر اساس عمیق ترین اصول و مبانی علمی متکی و پا برصه وجود نهاده است معجزات مکرری است برای تمام اعصار و قرون مابعد خودش .

سوم. محقق بايستی از يکطرف احاطه علمی کاملی درزمينه موضوع واطلاعات جامعی دراطراف آن داشته از حدس وظن وتصور ويا احتمال بدور باشد واستدلال واستنباط خود را به هيچ وجه بر اساس حدس وظن وتصور بنیان گذاری ننماید واز طرف ديگر چنانکه قبلا اشاره شد دراسات حکم تحقيق کافی تا بسرحد حصول يقين داشته وپس ازاطمينان ازواقیبت حکم ومسلم بودن اينکه عين دستور آسمانی است (بدون جعل وتحريف) تحقيق و بررسی او در چنین شرايط منجر به نتايج درخشانی تواند بود وگرنه بررسی يك دستور حقیقی بامعلومات محدود واطلاعاتی سطحی يا بررسی يك حکم مجعول حتی بامعلومات کافی، هرگز به نتیجه نمیرسد.

چهارم - محقق لازم است بن بستهای موجود در مراحل مختلف تحقیقات خود را بطور صریح معلوم وروشن نماید نه اینکه از ترس نقاط ضعف علمی خود را از انظار مخفی و از تیررس درک افکار سالم خارج سازد تا در آثارش مسلم گردد کدام مجهولی را بدلائل وشواهدی معلوم ساخته וכدام مجهولات بهمان حال ابتدائی خود بطور لاینحل بازمانده است وهرگونه تاویل وتعبیر ازراه تقارن وتشابه را کنار گذارد در اینصورت است که آیندگان هم میتوانند با اعتماد کامل بر آثار تحقیقی او تکیه نموده پیش روند وهم در صورت امکان دنباله تحقیقات او را گرفته وبرحسب امکانات وپیشرفت معلومات ومسلمات عصر خود بتوانند مشکلات لاینحل گذشته را باتکاء موازین عقلی واصول ومبانی علمی کاملتر از سابق حل کنند.

پنجم - محقق در تعالیم اسلامی، دایره فلسفه يك حکم و دستور دینی را تنها از افق معلومات واطلاعات خود ورشته تخصصی خود ندیده وفواید اجرای آن دستور العمل را محدود ومنحصربه نتیجه یا نتایج بدست آمده از تطبیق حکم بامعلومات رشته خود ننماید واین نیز اشتباه بزرگی است ناشی از مقایسه تعالیم ادیان با آداب واصول عرفی یا قوانین مشخص وقواعد معین علمی که اکثراً بیش از یکی دو نتیجه محدود در بر ندارند.

زیرا چه بسا دانشمندان ومتخصصین مختلف برحسب رشته تخصصی خود يك حکم را تنها می توانند از زاویه دید معینی ببینند و ارزش یابی کنند بدون اینکه از جنبه های مختلف دیگرش (بعلمت عدم اطلاع وبصیرت درسایر رشته ها) باخبر باشند واین قبیل مسائل مخصوص ومنحصربیکي دومورد نیست بلکه حکمت های مختلف ومنوعی ممکن است در يك حکم دینی وبك دستور آسمانی وجود داشته باشد.

انعطاف میداند ، پس از بررسی و تجزیه و تحلیل آشکار میگردد که عامل اساسی حسادت بوده است ، منتهی کودک بوسیله اصل کلی **مدل سازی** تلاش میکند ، حسادت خود را آشکار ساخته بلکه بعنوان مختلف از قبیل بد رفتاری و عدم انعطاف ابراز میدارد .

روانشناسی بزرگترین خدمتی که بجهان تعلیم و تربیت نمود ، این نکته اساسی است که هر رفتاری معلول علل روانی و جسمانی می باشد . تازمانی که آن عوامل اساسی در وجود انسانها وجود داشته باشند ، خود بخود امکان هر نوع تحول و دگرگونی غیر ممکن خواهد بود ، مگر آنکه علل و عوامل را از میان برداریم . در روانشناسی رفتار غیر عادی دانشمندان تحقیقات جالبی نموده اند از آن جمله اینکه بر اثر برخی از بیماریهای روانی ، امکان دارد ضایعات جسمانی بوجود آید بدون آنکه این ضایعه ارتباطی با جنبه های جسمانی داشته باشد ، مثلاً ممکن است فردی بر اساس بیماری هیستری بنابینائی و یا فلج گرفتار شود بدون اینکه کوچکترین اثر بیماری جسمی در این دو بیمار بچشم بخورد ، در این نوع بیماری هر قدر بیشتر درمان عضوی بپردازند ، کمتر نتیجه ای عایدشان خواهد شد زیرا علت این بیماری بدون شك بحران های روانی و ناراحتی های عصبی بوده است ، بنابراین در خاتمه می توان چنین نتیجه گرفت :

۱- هر نوع رفتاری که از انسان سر میزند ، بر اساس نظام علیت دارای علل و عوامل متعددی میباشد ، و ممکن است برخی از این علل بر خود شخص مجهول بوده بطور ناخود آگاه تأثیر گذارد .

۲- برای تغییر رفتار بجای پند و اندرز یا تهدید و کتک زدن ، باید سعی کرد عامل اصلی یعنی علت رفتار را تشخیص داده ، برای تغییر رفتار آنرا از میان برداریم ، امروزه دیگر نمیتوان با حرف و سخن بیماریهای جوانان را درمان کرد ، بلکه باید دید چرا جوان عصیان میکند علل این شورش چیست پس از مرحله تشخیص برای درمان باید این علل را از بین برد ، پس پدران و مربیان در تغییر رفتار ، باید بعامل رفتار توجه داشته باشند .

